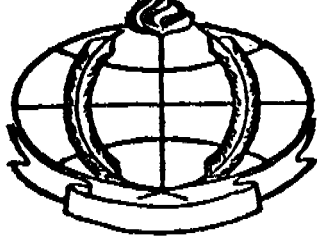


نتایج و توصیه‌های کنفرانس نوشتار

«کرنلی» (نماینده
ونزوئلا) - با استماع مطالب
جالب گویندگان قبل از خودم
سوال میکنم نکات و مطالب
مورد عنوان و نیز پیشنهادات
طرح شده در کنفرانس را تا چه
حد میتوان در آمریکای جنوبی
۴۲درراه توسعه است ، مورد
عمل قرارداد - مثلا در کشور
من نظیر هر کشور توسعه نیافته
جمعیت بسرعت اضافه میشود ،
و چون در حدود پنجاه درصد از
کودکان مردم کاراکاس
نامشروع هستند فقط سی و سه در
صد از آنها به مدرسه میروند و
این نکات شاید نقص پدر و مادر-
ها باشد که اطفال را به طسرق
مختلف رها میکنند ، در حال
حاضر بسیاری بینم پدر میلیونری
را که فرزندش را برای
خوشگذرانی رها میکند ، در
حالیکه برخی از مادران در
کشورما با خاک رویه برداشتن ،
فرزندشان را حفظ میکنند

با این احوال ، بسیاری از
مردم واقعا مشتاق آنند که از





پروفیسور کلین برگ
(نماینده آمریکا) اظهار داشت
فرهنگ هر جامعه باید با فهم
مردم جامعه برابر باشد و تنویر
افکار و تطبیق طرز فکر مردم با
فرهنگ صحیح بعهدہ کارشناسان
علوم تربیتی است کما اینکه
وقتی سرگ و میر زیاد میشود وظیفه
پزشک است که علل را بیابد
و در واقع درست مربی خانواده
به خانواده‌ها توجهات لازم را
برای رعایت نکات مرتبط بسا
افزونی سرگ و میرها بدهد .

جوانان گناهکار نیستند

وی بحث را به قدرت
رئیس خانواده کشید و گفت
در برخی از سالک خانواده‌ها
با سرپیچی جوانان روبرو میشوند
و عده‌ای آنرا اشتباهاً طغیان
مینامند درحالیکه این چنین
نیست و بررسی و تحقیق پیرامون
این موضوع نشان میدهد که
جوانان اکثراً به خانواده‌هاشان
دلبستگی دارند و احساس
مسئولیت نیز مینمایند - ولی

دارا داس یک مطلب بسیار
عمیق وجود دارد که در مورد
اغلب جوانان صدق میکند
و همه آنها یکصدا میگویند :
«بیشتر از هر چیز ، فقط به مایک
مادر بدهید»

کمک به تعلیم و تربیت خانواده

در این موقع دکتر برز از
فرانسه درباره راههای کمک
به تعلیم و تربیت خانواده
صحبت کرد و اینطور نتیجه
گرفت :

مربیان خانواده میباید ،
از راههای مختلف برای تعلیم
و تربیت خانواده زحمت بکشند
و کاری کنند که خانواده‌ها بسا
شئون مختلف اجتماعی ، اقتصادی
و غیره هم آهنگی پیدا نمایند
نماینده یوگاندا نیز در این
مورد صحبت کرده گفت : به
فرهنگ مردم بیشتر از هر مطلب
دیگر باید توجه شود مثلاً در
برخی از سرزمین‌ها مادرانی دیده
میشوند که وقتی بچه‌شان مریض
شد او را رها میکنند و وقتی
بچه‌شان از او بیست توجه میکنند

مشکلات خویش در زمینه
مسائل خانواده اطلاع یابند
وقتی صحبت از مشکلات است
باید بظاظر بسیاری که این
عضلات متعلق به کشورهای
تنها در حال توسعه یافته‌ست
بلکه در سالک پیشرفته و صادر
حال پیشرفت نیز که تسهیلات
وامکانات مختلف اجتماعی نظیر
پزشک ، روان شناس و مددکار
اجتماعی وجود دارد ، باز هم
مشکلات به نحوه دیگری خود نمائی
میکند. بنابراین می‌توانیم نتیجه
بگیریم که باید واقعاً به کمک
مردم شفاف و در جزئیات کارها
تعلیم و تربیت اطفال را مورد
نظر قرارداد ، زیرا این بچه‌ها
هستند که پدران و مادران فردا
میشوند - در کشور من ، وزارت
آسوزش هنوز کما سلا قبول
نکرده است که بچه‌ها در مدرسه
نیز احتیاج به برنامه خاص
تربیت خانواده دارند ، ولی این
جبر زمان است و خواه نا خواه
روزی بدان گردن خواهند نهاد.
نکته‌ای که من باید بوضوح
خاطر نشان کنم اینست که در

کنفرانس نوشتار فعالیت انجمن اولیاء و مربیان ایران را ستود

خانواده‌ها را باید تعلیم داد تا بتوانند با جوانان خود ارتباط برقرار کنند .

کنفرانس نوشتار فعالیت انجمن اولیاء و مربیان ایران را ستود

این خانواده‌ها هستند که میباید خودشان را بهتر بشناسند و بسا زسان تطبیق دهند و همین شناسائی و تجزیه و تحلیل «خود» است که مسائل و روابط عاطفی و خانوادگی را مطرح مینماید که طبعاً توجه بانها نتایج قابل ملاحظه‌ای بدنبال دارد .

برای داشتن خانواده بهتر بمربیان بهتر احتیاج داریم، خانمی رامیشناسم که چهل سال است راجع بکارخانواده مطالعه کرده و تجربه اندوخته است و این شخص در حال حاضر جمعیت بانوان را اداره میکند و میخواهد مادران خوب تربیت کنند و تا حد زیاد موفق بوده است در همین جمعیت یکروز در هفته کارشان را به کمک به مادران اختصاص میدهند - بنا براین اگر مادران و پدران و حتی پدر و مادر بزرگها در همه کشورها چنین کاری انجام دهند در واقع کمک مؤثری است به مربیان مدارس . نماینده یونسکو و اظهار

داشت: درباره پیشرفت و آزادی زنان و فرهنگ اجتماعی جواب صد درصد نمیتوان داد و وضع کشورهای پیشرفته و ممالک عقب مانده از این نظر قابل مقایسه نیست ، در این مورد با قبول اینکه مشکلاتی در هر دو جا وجود دارد باید برای مقابله با آنها از راه‌های مختلف و تحت عناوین و اشکال گوناگون و برابر با زمان و مکان و سطوح اجتماعی وارد عمل شد. پروفیسور کلین برگ - باید دنیا و مردم دنیا را شناخت و نقش سربی خانواده بر این پایه قرار گیرد

خانم هال - هالیفاکس (از انگلستان) اظهار داشت باید مردم را راهنمایی کرد و آنانرا وادار کرد به موفقیت داخلی و خارجی خودشان بیاندیشند و اینکار به تعلیم صحیح احتیاج دارد و برای تحقق آن کمک مردم ، فدراسیون بین‌المللی اولیاء و مربیان و همه مربیان خانواده‌ها ، ضروری است .

مذاکرات بعد از ظهر روز اول ژوئن ۱۹۷۲ :

« لان گران » - تربیت خانواده کار تازه‌یی نیست زیرا معمولاً زنان و مردان در طول زندگی همواره سعی میکنند بطبیعی بیاموزند با این تفاوت که در هر دوره بطریقی و شکلی خاص اینکار را انجام میدهند ولی با اینکه در روابط بین «انسانها» در کشورهای مختلف و مخصوصاً در روابط بین معلم و شاگرد تحولاتی انجام شده باید توجه داشت که تعلیم و تربیت مدرسه‌یی با تمام تحولات اسروزی برای افراد نمیتواند نمونه‌ای کامل باشد .

پروفیسور فرانکار (از بلژیک) : در دوره ما ناراحتیهای روانی و مشکلات زندگی زیاد شده است و به همین دلیل اغلب افراد در زندگی اسروز چندان خوشحال بنظر نمی‌رسند زیرا از خود و اطرافیانشان ناراحت هستند و نمیتوانند ، رابطه حقیقی و صمیمی بین خود و نزد یکانشان برقرار سازند .

به تعبیر دیگر ، انسان اسروزی مثل اسباب بازی پارک کودک به طرف کشیده میشود .

گواینکه به آسانی میتوان تشخیص داد که ناراحتیهای انسان زمان ما از تمدن، اجتماع سیاست و امثال آنهاست ولی نباید فراموش کرد که اجتماع از افراد تشکیل میشود و افراد نیز از فرد و این فرد است که یک روز کودک بوده است، بطوریکه اگر او را به پارک عمومی ببرند، اگر تنها بشود گریه میکند، بازی میکند و خلاصه وقت میگذراند بالاخره این بچه بزرگ میشود - راستی او چه خواهد کرد و چطور زندگی خواهد نمود؟

و اما بچه‌ای که ایام کودکی، صحبت کردن و نیز دوره‌های اول و دوم زندگی را پشت سر میگذارد - وقتی بزرگ میشود، میخواهد دوست داشته باشد دوستش بدارند - همچنین توقع خوب زندگی کردن را دارد، و این در واقع بازگشت بدوران کودکی است بنابراین وقتی به تعلیم و تربیت می‌رسیم، اول تعلیم و تربیتی سنتی و آنگاه تعلیم و تربیت تازه و جدید مطرح میشود.

خودسری جوانان

تغییر و تحولات فکری افراد

در تمام کشورها مسلم و قطعی است ولی این تعلیم و تربیت است که آنها را میسازد و راه حل‌های مثبت در زمینه‌های مختلف ارائه میدهد

وقتی پدر و مادر سرزوی، خودسری جوانان امروزه را با جوانی خودشان مقایسه میکنند آنرا غیر قابل تحمل فرض میکنند ولی برای رفع این مورد لازمست مادران و پدران خودشان را حقیقاً بزرگسال و فهمیده بسازند و همین جاست که تعلیم خانواده بصورت تعلیم دائمی درمیآید در دنیای کنونی باید دوست داشتن و مورد محبت بودن را یاد داد تا افراد خانواده بهتر بتوانند یکدیگر را بفهمند، یکدیگر را بشناسند و طبعاً یکدیگر را قبول داشته باشند. ولی ما وقتی بزرگ میشویم که که پدر و مادر را تفهیم و اشکالات آنان را درک کنیم.

نتایج و توصیه‌های کنفرانس

در جلسه روز دوم ژوئن ۱۹۷۲ نتیجه کار و توصیه‌نامه های کنفرانس بوسیله دکتر «برژ»

نماینده فرانسه بدین شرح اعلام شد:

- ۱ - قرارداد دادن اطفال در اجتماعی که بتواند برای آنها تسهیلات لازم را فراهم سازد و نتیجتاً آنان را خوشبخت نماید.
- ۲ - تعلیم و تربیت خانواده در چهارچوب تعلیم و تربیت دائمی که باید یاد داد و یاد گرفت و همکاری کرد.
- ۳ - مطالعه در مسئله اقتدار خانواده بر اطفال
- ۴ - مطالعه در مسائل عاطفی و تربیتی در خانواده‌های مناطق کارگری و صنعتی.
- ۵ - توجه به احترام متقابل اولیا و فرزندان.
- ۶ - اعمال محبت و ارتباط بعد متعادل بین اولیا و فرزندان بطوریکه نه تسلط فوق العاده تلقی شود و نه هرج و مرج بی نهایت.
- ۷ - برقراری روابط صحیح و منطقی بین پدران و مادران و ارتباط آن با تعلیم و تربیت کودکان.
- ۸ - سازمان خانوادگی میبایست صمیمیت فوق العاده داشته باشد و مسئله خیانت بقیه در صفحه ۴۷